

همایش روز جهانی فلسفه؛ «دیگری»

۲۵ آبان ماه ۱۴۰۰

«خود» در آینه «دیگری» در اندیشه کیرکگور

راضیه زینلی

دانش‌آموخته دکتری فلسفه دین، دانشگاه تهران

r.zeinaly@gmail.com

چکیده: حضور و نفوذ نگاه «دیگری» مسئله‌ای است که پس از کیرکگور در اگزیستانسیالیست‌ها بسیار برجسته و پررنگ می‌شود. انسان به واسطه ربط با «دیگری» «خود» می‌شود. در واقع فرد به‌مدد «دیگری» می‌تواند زندگی اصیل را تجربه کند. حال تا چه حد شناخت من از خودم وابسته به شناخت «دیگری» است؟ آیا من در آینه «دیگری» «خود» را می‌بینم یا «دیگری» مانعی است بر سر راه شناخت من؟ انسان در رابطه با جهان اطراف خویش شناخته و باز تعریف می‌شود. تنها در بستر روابط «خود» با «دیگری» می‌توان از خویشتن خویش سخن گفت. «دیگری» به نوعی در من حس مسئولیت را برمی‌انگیزاند. بودن برای «دیگری» به نوعی مسئول بودن در قبال اوست. نکته‌ای که اهمیت دارد این است که کیرکگور دیدگاه ثابتی درباره رابطه «خود» با «دیگری» ندارد و ای‌بسا دیدگاه‌های متعارضی را مطرح می‌کند. کیرکگور سه ساحت برای حیات در نظر می‌گیرد، زیبایی‌طلبی، اخلاقی و دینی. حضور «دیگری» در مرحله اخلاقی برجسته می‌شود. در این مرحله پای اختیار و آزادی انسان به میان می‌آید و به همین علت بحث تعهد (commitment) مطرح می‌شود. کیرکگور در کتاب اعمال عشق به حضور دیگری پرداخته، این کتاب مبتنی بر این آیه کتاب مقدس است که «دیگری را همچون خود دوست داشته باش». در همین راستا سه نوع عشق مطرح می‌شود: اروس که نوعی عشق جنسی و اروتیک است، فیلیا که عشق به هم‌نوع است و آگاپه عشق به خداست. در مبحث «دیگری» «فیلیا» یعنی عشق به نوع بشر فارغ از هرگونه دلبستگی، از سایر اقسام پررنگ‌تر است. در الگوی کیرکگور ارتباط انسان با انسان‌های دیگر، براساس فرمان الهی عشق به همسایه تنظیم می‌شود. به همسایه باید عشق ورزید تا به فرمان خدا عمل شده باشد.